

روپاروئی زن و مرد در عصر قاجار

دو رساله

تأديب النسوان و معايب الرجال

بکوشش: دکتر حسن جوادی، منیژه مرعشی، سیمین شکرلو

کانون پژوهش تاریخ زنان ایران
شرکت جهان

مقدمه

مجموعه ای که بنظرتان میرسد عبارتست از دو رساله از دوره قاجار:
تأدیب النسوان از مولفی ناشناس و جواب آن از بی بی خانم یا بی بی
فاطمه بنام معایب الرجال از اثر اول در نسخ چاپ سنگی بتطبع ربعی در
دست است که هر دو گویا در تهران بطبع رسیده اند. تاریخ یکی پنجم
شعبان ۱۲۰۴ یا ۱۲۰۹ است و خوانا نیست و دیگری بدون تاریخ می باشد،
و بشماره ۷۵۵۴ در کتابخانه ملی محفوظ است. نسخه دیگر نیز از همان

کتابخانه است. فاما معایب الرجال از روی دو نسخه خطی گرفته شده است. يك بخط شکسته بسیار خوب و بتاريخ شهر شوال ۱۲۱۲ توسط "علی اکبر تفرشی" تحریر شده است و نسخه اصلی در تصحیح این رساله بوده است. اصل این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی است به شماره دفتر ۷۸۵۶۸-۸۲۵۲ و فیلم آن به شماره ۴۸۵۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. نسخه دوم بخط نستعلیق و بنظر میرسد که بخط خود بی بی خانم است و گویا اصل آن در کتابخانه فرمانفرما باشد. تفاوت عمده ایندو نسخه زیاد نیست اولی ۴۶ برگ و دومی ۴۱ برگ دارد.

داستان آشنایی من با ایندو نسخه به چند سال پیش برمیگردد. در سال ۱۹۷۱ ضمن تدریس ادبیات فارسی در دانشگاه برکلی به کتابی بنام *Eastern Love* در سه جلد برخوردیم که آنرا دانشمند و جامعه شناس انگلیسی *E. Poweys Matters* از مجموعه های مختلف هندی، فارسی، ترکی ترجمه کرده و در ۱۹۲۷ در لندن بچاپ رسانیده بود. یکی از این رسالات همان تادیب النسوان بود و *Poweys* درباره آن می نویسد:

تادیب النسوان یعنی تربیت زنان در اوایل دهه ۱۸۸۰ در تهران چاپ شده است و علی‌رغم جستجوی بیحد زنانی که در آن مورد انتقاد قرار گرفته اند نویسنده هویت خود را بخوبی مکتوم داشته است. بنا بگفته *G. Audirbert* مترجم اول سفارت فرانسه در تهران که من از روی ترجمه او این اثر را ترجمه کرده ام، این رساله را یکی از شاهزادگان قاجار (که تعداد آنها هم کم نیست) برشته تحریر درآورده است. انتشار این کتاب باعث خشم و غضب خانهای ایرانی گردید و جوابهایی هم به آن نوشته شد. مهمترین آنها رساله ایست بنام *تمذیب النساء* (۲) یعنی نشانند مردان بجای خود که بقلم یکی از حامیهای برجسته ایرانی است.

در سال ۱۹۷۲ من به دانشگاه تهران برگشته و در ضمن فرصتی

مقدمه

دست داد که در کتابخانه مرکزی دانشگاه به جستجوی اصل تادیب‌النسوان به پردازم و در عوض نسخه معایب الرجال را در همانجا پیدا کنم. اندکی بعد یعنی در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) هما ناطق و فریدون آدمیت کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده - دوران قاجار را در تهران منتشر کردند و در آن هم ذکر تادیب‌النسوان شده بود و هم معایب‌الرجال بی بی خانم.

هما ناطق و فریدون آدمیت هر دو رساله را بعنوان نسخه خطی معرفی می کنند و آنها را از مجموعه مرکزی دانشگاه تهران گرفته اند. در صورتیکه نسخ مورد استفاده ما هر دو چاپ سنگی شده اند و خانبابا مشار در فهرست کتب چاپی فارسی خود این کتاب را تحت عنوان تادیب‌النسوان بدون ذکر نام نویسنده می آورد و اضافه می کند (ایران، ۱۳۰۹ش، سنگی، خشتی؛ ۷۶ص) این نسخه کاملا مطابقت دارد با نسخه ای که قبلا شرح آن داده، در صورتیکه تادیب‌النسوان کتابخانه ملی (شماره ۷۵۵۴) بخط بهتری نوشته شده و فقط ۷۰ صفحه دارد و در شهر شعبان ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۹ بخط مهدی گلپایگانی تحریر شده است.

بنظر میرسد کتاب مورد بحث هما ناطق و فریدون آدمیت تحت عنوان در بیان تادیب‌النسوان با وجود داشتن همان تاریخ ۱۳۰۹ با این دو نسخه ما فرق دارد، زیرا بعضی از مطالبی را که این دو از کتاب نقل کرده‌اند مانند، مجازات زن نافرمان در قیامت و غیره در نسخه دیگر نمیابیم. بنظر میرسد که از این کتاب چاپهای مختلفی شده است و از لحاظ متن هم با هم تفاوت‌هایی داشته اند. هر دو نسخه چاپی بشیوه

کتابهای عامه پسند قدیم مصور شده اند. بعد از بدست آوردن ایندو رساله دوره قاجار در کتاب طنز در ادبیات فارسی ۲ فرصتی دست داد که بطور خلاصه به معرفی این دو اثر جالب پردازم ولی دلم می خواست که متن کامل هر دو اثر را چاپ بکنم. در این ضمن از خانم دکتر افسانه نجم آبادی شنیدم که ایشان نیز ب فکر چاپ معایب الرجال هستند. اول فکر ما این بود که یادداشت‌های خودمان را تلفیق بکنیم و در یکجا به چاپ برسانیم بعداً تصمیم گرفتیم، که شاید بهتر باشد هر یک جداگانه کاری را که کرده ایم چاپ بکنیم که دو دید مختلف از این دو رساله را بخوانندگان داده باشیم.

آماده ساختن کتاب برای چاپ به کوشش اعضاء کانون پژوهش تاریخ زنان ایران در شیکاگو میسر گردید. دستیابی به نسخه های دوّم متن معایب الرجال و تادیب النسوان نتیجه زحمات بی شائبه دکتر ژانت آفاری، منیژه مرعشی، و سیمین شکرلو میباشد. کانون پژوهش تاریخ زنان ایران در تطبیق نسخ تایپ شده و چایی با متن اصلی، و همچنین در یافتن معانی لغات لایق‌رأء کمک زیادی کردند. و پس از چندین بار حک و اصلاح، کتاب حاضر را آماده چاپ نمودند. در ضمن باید از دوست عزیز و ایرانشناس بنام هلندی، دکتر ویلیم فلور تشکر کنم که در موارد زیادی کمک کرده است.

در تصحیح متن این دو رساله کوشش شده است تا حد امکان لغات مهجور و یا اصطلاحات دور از ذهن بیان شوند. البته هر دو متن هم ساده و هم تقریباً جدید هستند، و احتیاجی به تحشیه زیاد آنها نیست.

مقدمه

فقط اشکال در این است که هر دو نسخه ایندو رساله بنظر میرسد که از روی هم نوشته شده اند و نسخه دوم کمک زیادی بحل مشکلات نسخه اول نمی کند. در هر دو متن و بخصوص در معایب الرجال غلط های املایی زیادی بودند و بنظر میرسید که ذکر وجه اصلی آنها و اضافه کردن "کذا فی الاصل" لزومی نداشت. بی بی خانم طبع شعر هم داشت و گاهی بعضی از اشعار خود را در کتاب آورده است و چنانکه ملاحظه می کنید قطعات زیادی از شعرای مختلف را آورده است که بعضاً نیز درست نیستند، در اینجا تا حد امکان وجه درست آنها آورده شده است. البته تعدادی از اشعار هم بودند که گوینده آنها را نتوانستم پیدا کنم. چند تصنیف از دوره قاجار بود که متن آنها در جایی دیگر پیدا نشده در نتیجه آنها را عیناً بهمان نحوی که بی بی خانم آورده بود نقل کرده ام.

در مورد زندگی بی بی خانم بجز آنچه خودش در اول کتاب نوشته است اطلاعات زیادی در دست نیست. بگفته خودش پدرش محمد باقرخان سر کرده سواره استرآبادی بود که در جنگهای "ترکمانیه" شرکت کرده و بعد از پنجاه سال خدمتگذاری شهید شد. احتمالاً این اشاره ایست به جنگهای دولت ایران با ترکمانان در طی سالهای ۱۸۶۱-۱۸۵۷. البته دولت ایران چند بار با ترکمانان که سرحدات ایران را مورد قتل و غارت قرار میدادند و عده ای از ایرانیان را به بردگی میبردند جنگ کرد و این جنگها از زمان عباس میرزا شروع میشود. جنگهایی که پس از شکست ترکمانان توسط سلطان مراد میرزا فرمانروای کلی خراسان و تسخیر شهر مرو در ۱۸۵۷ شروع شد احتمالاً بیشتر همزمان با مرگ پدر بی بی

مقدمه

خانم می باشد.

جد پدری بی بی خانم کرلایی باقرخان قولرآقاسی فتحعلیشاه بود که در اوآن ولیمهدی فتحعلیشاه در فارس در خدمت او بوده است، و بعد از شصت سال خدمت در جنگ فتی خان شهید شد. بنظر میرسد که منظور از "فتی خان" فتح خان وزیر محمود شاه افغانی است که بهمراه برادرانش در اوایل سلطنت فتحعلیشاه سر بطنیان بر داشت، و بسال ۱۲۲۲ هجری (۱۸۵۲) در نزدیکی کافر قلعه از شجاع السلطنه پسر فتحعلیشاه شکست خورد. ۲

جد دیگر بی بی خانم حمزه خان در زمان ناصرالدین شاه در نواحی استرآباد پرشیز و ایل ترکمن کرلان خدمت کرده است. مادرش دختر آخوند ملا کاظم مجتهد مازندرانی ساکن بارفروش بود که مدتی در خدمت شکوه السلطنه مادر مظفرالدینشاه بوده است. در مورد زندگی خصوصی او نیز اطلاعات ما زیاد نیست. باز از کتاب معایب الرجال میدانیم که در جوانی ازدواج کرده و بشوهرش عشق میورزیده است. ولی شوهر قدر او را نمیداند و آخر سر با دختر خدمتکاری که داشتند ازدواج میکند.

در مورد بی بی خانم در منابع دیگر باز اطلاع خیلی کمی در دست است. فخری قویسی در کتاب کارنامه زنان مشهور ایران که سال چاپ آن معلوم نیست. در مورد بی بی خانم مولف کتاب معایب الرجال می نویسد: " در زمان قاجاریه بانویی با سواد و اهل مطالعه با خلی خوش و بیانی نیکو میزیسته بنام بی بی خانم که پدرش محمد باقرخان

مقدمه

استرآبادی سر کرده سواران استرآباد و جدش باقرخان قولر آقاسی شکارچی ماهری بود"، و پس از دادن اطلاعاتی در باره جد مادری بی بی خانم اضافه میکند که "او زنی معاشرتی و مردم دار بود. غالباً در مجالس و محافل که ترتیب میداد زنان با سراد و اهل علم شرکت داشتند." سپس به کتاب معایب الرجال پرداخته و شرح مختصری از مندرجات آن را میدهد، و متذکر می گردد که هم از کتاب تأدیب النسوان وهم از معایب الرجال نسخه‌ای در کتابخانه مجلس شورای ملی وجود دارد. تمام اطلاعات داده شده از خود گفته های بی بی خانم گرفته شده است. و فقط میدانیم که اسم او "بی بی فاطمه استرآبادی" ۴ بوده است.

منبع دیگری، که اطلاعات متفاوتی دارد و احتمالاً در باره همین بی بی خانم است، مطلبی است که مخبرالسلطنه هدایت در کتاب خاطرات و خطرات نوشته است. مخبرالسلطنه از خواهر دومش که زن سعدالدوله بود و از دست شوهر رنجها کشید و عاقبت طلاق گرفته بخانه پدر برگشت صحبت میکند و شامبیا می نویسد.

در اوقاتی که همشیره عیال سعدالدوله نالان بود و در منزل در تحت توجه والده او را بهر وسیله مشغول می داشتند، بی بی خانم زنی بود نقاله و قواله و بقول فاضل خان گروسی در جوانی خوش منظر، عشوہ گر، شیطان، فتنه، مردان پوش، پیمان نوش، با یک عالم ناز و آتش انداز خرمن پیر و جوان، پس از سفیدی مو و سیاهی رو، زردی دندان و خشکی پستان، قطع عادت و ختم لعنت، جا نماز آب می کشید، دعا می داد و جن میگرفت، هفته هفته در منزل ما پلاس بود و همشیره را مشغول می کرد. روزی حکیم موسی که طریب خانواده بود و بر حسب عادت گاهی عبادت می نمود، مردی موقر و هفتاد ساله برای باز بسی احوال همشیره آمده بود، کنار دخترخواه نشسته، بی بی خانم خود را در جادر نماز پیچیده، در کمال ادب آمد و نزدیک حکیم باشی بنشست، با بسی آداب و بلحن التماس گفت، حکیم باشی اجازه می خواهم سواکی بکنم، حکیم باشی با لحن طلب گفت بفرمایید. گفت، شنیده ام حضرت سلیمان خواست مخلوق روی زمین را در بر و بحر میهمان کند، اجازه از درگاه روزی رسان خواست، جواب آمد نمیتوانی حکیم باشی با

مقدمه

جدیت تمام گفت صحیح است، ناگاه بی بی خانم بر خاست، چادر را انداخت و بر وزن گفت نمیتونی گفت میتونم (تن تنن تن تنن) مدتی بشکن زد، توی ریش حکیم باشی که از یک وجب درازتر بود قر و غربیله آمد، حکیم باشی دهانش باز ماند و حضار دست گذاردند به خنده و دلها را گرفتند.

چندانکه ترا فزون بود جد

چندان محتاج هزل باشی

گاهی بمزاح وقت بگذار

هرچند که اهل فضل باشی

این بی بی خانم، هفته هفته در منازل آشنایان مجلس آرا بود و به چادر نمازی یا چادر قدی قانع. نه دعوی ستارگی داشت نه خود را از بر آوردگان برجسته تمدن میدانست و ستارگان امروز عشر هنر آن ستاره کوران را نداشتند. مادی اند، بی لطف و پرمدا. ۵

این تنها موردی است که من درباره بی بی خانم پیدا کرده ام، و

البته صدی صد محقق نیست که مراد مخبرالسلطنه هدایت همان بی بی فاطمه ما باشد. بی بی خانم اسمی بود که به خیلی از زنها داده میشد و

گاهی هم يك اسم دیگری بدان اضافه می کردند مثل بی بی خانم مظاهر دختر مشیر الدوله و بی بی ماه خانم که از زنان مشهور دوره قاجار بودند.

احتمال اینکه مراد مخبرالسلطنه همان بی بی خانم مورد نظر باشد، زیاد است چون مخبرالسلطنه در سال ۱۸۶۲ میلادی (۱۲۸۰ هجری) متولد شده و

هنگامیکه در اوایل جوانی از خواهر دوشم حرف می زند و ذکر بی بی خانم را میکند، بی بی خانم می توانسته زن سستی باشد. بعلاوه شوخ طبعی و

بدله گویی او نیز به نویسنده کتاب می خورد. معایب الرجال در سال ۱۸۹۵ میلادی (۱۲۱۲ هجری) نوشته شده است، و مسأله جالب اینستکه چطور

مخبرالسلطنه از این کتاب خبری نداشته است و ذکر بی بی خانم از آن نمیکند؟ مطلب دیگر اینکه مادر بی بی خانم ندیمه تنکوه السلطنه مادر مظفرالدین

شاه بوده و تاج السلطنه هم خواهر مظفرالدین شاه که زنی بسیار آزاده و

مقدمه

روشنفکر و طرفدار آزادی زنان، در خاطرات خود ابدأ اسمی از بی بی خانم و کتاب معایب الرجال او نمی برد. البته میتوان گفت در سال ۱۹۲۴ میلادی (۱۲۴۲ هجری) هنگامیکه که خاطرات خود را می نوشت خاطره رساله کوچک معایب الرجال که سی سال پیش تر نوشته شده بود، از خاطره ها رفته بود.

از لحاظ مقایسه خاطرات تاج السطنه و کتاب معایب الرجال که هر دو از آثار بسیار جالب و نادر باصطلاح "فمینیست" ایران هستند، واقعا تفاوتی سی ساله بین آنها از لحاظ زمانی وجود دارد. خاطرات تاج السطنه بحدی پیشرفته و ملهم از طرز فکر اروپانیست که عده ای به اصالت آن شک کرده اند، در صورتیکه اگر امکانات یک شاهزاده خانم قاجار در آن عهد را در نظر بگیریم اطلاع او از خواسته های خواهران آزادی طلب خود در اروپا و آمریکا عجیب بنظر نیرسد. ولی بی بی خانم اطلاع زیادی از وضع زنان اروپایی ندارد، و فقط جسته و گریخته چیزهایی درباره اجتماع اروپایی شنیده است. او و تئیک نویسنده نأدیب السوان را مورد انتقاد قرار داده و به او می تازد، مینویسد: نویسنده زنان را "کنیز و خدمتکار" میشمارد و ادعای "مستفرنگ" بودن هم دارد. مگر نمیداند که در فرنگ از زنان چون "دسته گل" نگهداری میکنند. "بقرار نوشته های جغرافیای تاریخی و سیاحت نامه اهم مختلف تمام زنهای نحیب و تربیت شده، عالم به چندین علم، در سر میز با مردان اجنبی بی نشینند و وتب رقص دست مردان اجنبی را گرفته و می رقصند. اما آداب دین اسلام دیگر است، زنهای ایران تمام گرفتار خانه داری و خدمتگذاری می باشند، علی الخصوص